

تعمق و تأملی بر نظریه و مکتب هنری کلاسیسیسم و تأثیرات آن بر معماری و موسیقی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۱۸

کد مقاله: ۲۸۲۱۹

آرمان واحدی^۱

چکیده

مکتب کلاسیسیسم در قرن هفدهم در اروپا به وجود آمد و از هنر یونانی و رومی الگو و الهام گرفته است (بازگشت به اصول و قواعد زیبایی‌شناسی آنان)، زیرا در سده و قرن‌های پانزدهم تا هجدهم در اروپا توجه زیاد و بسیاری به هنر این دو تمدن می‌شد، کلاسیسیسم را می‌توان مکتب سنت‌گرایی در هنر و ادبیات دانست، در واقع پیروان مکتب کلاسیسیسم به دنبال ایجاد و خلق توازن، تعادل، هم‌آهنگی و هارمونی، تقارن، منطق، روشنی، ظرافت، نزاکت و واقع‌گرایی در آثار خود هستند، مکتب کلاسیسیسم برخلاف دیگر سبک‌ها و مکاتب هم‌عصر و دوره خود، یعنی باروک و بعدها رمانتیسیسم که بر اساس و مبتنی بر خیالات و احساسات و عواطف هستند، بر پایه منطق و عقل استوار است. پژوهش حاضر به دنبال ژرفاندیشی در باب مکتب هنری و ادبی کلاسیسیسم و تأثیرات آن بر رشته و تخصص‌های هنری اعم از معماری و موسیقی است. در این تحقیق از روش تحلیلی-توصیفی و بر طبق مطالعات کتابخانه‌ای، بهره بردن از منابع و سایت‌های موجود در اینترنت و اسناد در دسترس استفاده شده است. نتایج آنالیزها حاکی از آن است که قواعد و اصول حاکم بر مکتب کلاسیسیسم ارتباط نزدیکی در خلق یک اثر هنری دارد و همچنین وحدت‌های سه‌گانه (موضوع، زمان، مکان) البته بهتر است بگوییم وحدت چهارگانه (موضوع، زمان، مکان و لحن) در خلق یک اثر هنری تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: مکتب هنری، کلاسیسیسم، معماری کلاسیک، موسیقی کلاسیک، قانون سه وحدت

۱- عضو شبکه پژوهشگران ایرانی، دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ایران
arman.vahedi75@gmail.com

مکتب در لغت و اصطلاح به جمیع عقاید و اندیشه‌ها انسجام یافته و سامانمند که متعلق به یکی از صاحب‌نظران یا دسته و گروهی از همفکران است، اطلاق می‌شود که در ابتدا به تشریح و تفسیر انسان و دنیا پرداخته و در ادامه به بایندونبایدی‌های انسان اشاره دارد و آن را تعیین می‌کند و نظامی ارزش محور برای حیات و زندگی انسان مهیا و آماده می‌کند؛ لذا مکتب، علاوه بر نظام‌مندی، هماهنگی و انسجام درونی نیازمند برون‌دادهای دانایی و علمی است و اگر این نظام‌مندی و انسجام به برون‌داد آگاهی و دانایی ختم نشود، مکتب حاصل نمی‌شود (یونسی، ۱۳۹۸). به‌عنوان مثال برخی از نظریه‌ها و اندیشه‌های هنری شکل گرفته در دوران کلاسیک که حاصل مکتب کلاسیسیسم^۱ است. کلمه کلاسیک صفتی است که ریشه آن لغت و واژه لاتینی کلاسیکوس^۲ و به مفهوم و معنا درجه اول است. به تدریج این واژه و لغت برای سخن گفتن از نویسندگان درجه اول اجتماع و جامعه مورد استفاده قرار گرفت، یعنی افرادی که نوشته‌های آن‌ها در جلسات و کلاس‌های درس تدریس میشد (Rey, 2019). به طور کلی آثار کلاسیک به آثاری گفته می‌شود که به‌عنوان مظهر و نمود کامل مورد قبول همگان باشد و زمانی که هنر کلاسیک یا نویسندگان کلاسیک گفته می‌شود، هدف و مقصود هنر یا نویسندگانی است که تمام دوران و ادوار آنها را پسندیده است (حمیدزاده، ۱۳۸۸). صفت کلاسیک برای نخستین بار در دوره رنسانس برای تعیین نویسندگان درجه اول مورد استفاده قرار گرفت و به کار برده شد، ولی در واقع این رمانتیک^۳ ها بودند که با مشخص و آشکار کردن ویژگی‌های جنبش هنری-فرهنگی خودشان، معنا و مفهوم امروزی لغت و واژه کلاسیک را به آن بخشیدند (<https://www.site-magister.com/classicis>). در دوران کلاسیک مکاتبی وجود داشت که کلاسیسیسم یکی از آن مکاتب بود، کلاسیسیسم به لحاظ لغوی از واژه و لغت کلاسیس در لاتین می‌باشد که به معنا و مفهوم گروه، طبقه و زیرمجموعه است. این واژه تقریباً معادل کانونس^۴ می‌باشد که علما و دانایان شاغل در کتابخانه اسکندریه در معنا و مفهوم انواع ادبی یا گروه‌های نویسندگان، شامل غزل سرایان، خطیبان، نمایشنامه‌نویسان و... به کار میرده اند (سکرتان، ۱۳۸۰). باید توجه داشت که در لغت و واژه کلاس^۵ نه تنها معنا و مفهوم طبقه گنجانده، بلکه مفهوم کلاس درس و مدرسه نیز وجود دارد. از معنی و مفهوم دوم می‌توان آثار پدیدار و ساخته شده در مکتب کلاسیسیسم را پیامد تحصیل و مدرسه یا به عبارت دیگر آموزش ضوابط، قواعد، فنون و اصول دانست (ثروت، ۱۳۸۱، ۳).

علی صفی زاده بیان می‌کند که مکتب کلاسیسیسم بیشتر از سایر هنرها بر ادبیات سلطه داشته است، اصول و قواعد مکتب کلاسیسیسم کاملتر و جامعتر از سایر مکاتب است و طول عمر آن، چه در جهان غرب و چه در ادب فارسی طولانی‌ترین و بیشترین قدمت و پیشینه را دارد (صفی زاده، ۱۳۹۷). نیکولا بوالو^۶ بزرگترین مدافع مکتب کلاسیسیسم و همچنین معروف‌ترین نقاد این مکتب است. وی در سال ۱۶۷۴ در منظومه "فن شعر" خود اصول مکتب کلاسیسیسم را گفته و بیان کرد (شعبانی، ۲۰۱۸). نویسندگان این دوران که بیشتر فیلسوف بودند به وجود نظم و ترتیب فلسفی در آثار هنری و ادبی و آموزنده بودن آنها، معتقد بودند. عکس العمل همین تفکر و نظریه و عمل، کمی به شکل مکتب رمانتیسیم بروز کرد، هر چند بسیاری از ویژگی‌ها، خصوصیات و روش‌های کلاسیک‌ها به واسطه پدیدار شدن مکتب رمانتیسیم در اوایل قرن نوزدهم از بین رفت، اما برخی از منتقدان و نظریه پردازان معتقد بودند که این نهضت و جنبش، تأثیری دائم و سالم بر ادبیات و هنر روشنگر و اخلاقی قرن بیستم گذاشته است و بسیاری از خصایص و ویژگی‌های آن، از قبیل قاعده و نظم، وضوح و... به خصوص در ادبیات انگلیسی برجا ماند (۱۳۹۹ <https://vista.ir/m/a/r3qif>).

کلاسیک‌گرایی هم به‌عنوان یک سبک هنری و هم به‌عنوان نخستین و اولین تئوری هنر توسط یونانیان باستان تعریف و تشریح شده است و رومی‌ها نیز از این سبک در آثار خود استفاده کردند و در طول قرن‌های دیگر نیز از این سبک استفاده شده است، از نظر تاریخی دوره‌هایی که بیشتر با کلاسیک‌گرایی مرتبط بودند، قرن‌های چهارم و پنجم قبل از میلاد در یونان با نویسندگانی همچون ارسطو^۷ و سوفوکلس^۸ و در قرن‌های هفدهم و هجدهم با دیگر نویسندگان بود (www.encyclopedia.com). کلاسیک‌گرایی اهمیت تمامیت و وحدت را اثبات می‌کند، هم نویسندگان یونان باستان و هم روم باستان بر وحدت تأکید داشتند، به‌عنوان مثال ارسطو در شعر خود، بر وحدت‌های زمان، مکان و موضوع تأکید کرده است و پیروی از این محدودیت‌ها یک درام دلنشین و منسجم به وجود می‌آورد، در مجموع گذشتگان و پیشینیان معتقد بودند که هنر وسیله و ابزاری برای برقراری ارتباط عقل و شعور است و زمانی که مردم مطابق با اصول اخلاقی و عقلانی عمل میکنند، جهان و

1 Classicism

2 Classicus

3 Romantic

4 Canones

5 Class

6 Nicolas Boileau

7 Aristotle

8 Sophocles

امور انسانی را در خود جای میدهند (همان)، همانطور که توجه کردن به مقوله وحدت میتواند آثاری دلنشین و دلنواز را خلق کند از جهت دیگر عدم توجه به این مقوله و موضوع میتواند تأثیرات ناخوشایندی بر کیفیت آثار هنری بگذارد.

کلاسیسیسم را می‌توان مکتب سنت‌گرایی در هنر و ادبیات به ویژه تقلید و پیروی از نویسندگان و قلم به دستان یونان و روم باستان دانست. از دیدگاه و نظر کلاسیک ها، هنر اصلی نویسنده، شاعر و هنرمند این است که قواعد، ضوابط و اصولی را که پیشینیان در آثار خود آورده اند، به طور کامل و جامع رعایت کند تا اثر او بتواند صفت دلپسند و زیبا به خود بگیرد (ویکی پدیا، کلاسیسیسم، ۲۰۲۰). مکتب کلاسیسیسم در وهله اول به دنبال آفرینش و خلق ایدئال و کمال زیبایی و دلنوازی با الهام از هنر باستانیان است. در واقع می‌توان گفت کلاسیسیسم ها به دنبال ایجاد و خلق ایدئال هارمونی، تقارن، تعادل، توازن، ظرافت، منطق، روشنی و صراحت و... در آثار خود هستند. باید دقت کرد و توجه داشت که کلاسیسیسم برخلاف سبک هم‌عصر و هم دوره خود، باروک و بعد ها رمانتیسیسم که مبتنی بر احساسات، عواطف و خیالات هستند، برپایه منطق و عقل استوار است. هم چنین مکتب کلاسیسیسم به زنده و احیاء کردن رسوم و عادات باستانیان و تطابق دادن آن ها با قوانین کلیسا و عقاید و باورهای مسیحی می‌پردازد (<https://www.site-magister.com/classicis>) (www.encyclopedia.com) پس توجه و الگو برداری کردن از مکتب کلاسیسیسم میتواند آثار هنری فرد هنرمند را به سمت هماهنگی و هارمونی، رعنائی، تقارن، تعادل و... ببرد و آثار برپایه عقل و منطق استوار است.

پژوهش حاضر قصد بر آن دارد به کاوش و تفحص درباب مکتب کلاسیسیسم و به بررسی تأثیرات آن در هنرهای مختلف اعم از معماری و موسیقی بپردازد، سؤالاتی که این مقاله برای رسیدن به پاسخ آنها تلاش می‌کند به شرح زیر میباشد. پرسش اصلی: مکتب هنری کلاسیسیسم چیست و تأثیرات آن در معماری و موسیقی چگونه است؟ پرسش فرعی: ۱- تأثیر قواعد و اصول مکتب کلاسیسیسم در هنرهای معماری و موسیقی چگونه است؟ ۲- تأثیر قانون سه وحدت در آثار خلق شده مکتب کلاسیسیسم چیست؟

۲- اهداف پژوهش

هدف کلی: کاوش و تفحص پیرامون نظریه و مکتب هنری کلاسیسیسم و چگونگی تأثیر آن در معماری و موسیقی.
اهداف جزئی:

- بررسی قواعد و اصول موجود در مکتب کلاسیسیسم و تأثیرات آن در هنرهای معماری و موسیقی.
- تعمق و تفحص درباب قانون سه وحدت در آثار هنری خلق و آفرینش شده مکتب کلاسیسیسم.

۳- فرضیه های پژوهش

فرضیه های پژوهش در قالب دو فرضیه اصلی تبیین شده است که عبارتند از:

- تحقیق حاضر فرض بر آن دارد که اصول و قواعد موجود در مکتب کلاسیسیسم در معماری و موسیقی اثرگذار است.
- تحقیق حاضر فرض بر آن دارد که قانون سه وحدت در آثار هنری خلق شده در مکتب کلاسیسیسم اثرگذار است.

۴- روش پژوهش

از آنجا که روش پژوهش، به نوع پژوهش و ماهیت و هستی آن بستگی دارد، بعد از مطالعات و پژوهش های زیربنایی شکل و صورت گرفته و با توجه به حرکت و جنبش پژوهشگر و محقق در سمت و سوی مطالعات و تحقیقات نظری و نتایج نظری آن در این تحقیق، تلاش به عمل آمده است تا نتایج پژوهش و تحقیق به روش تحلیلی-توصیفی و برطبق مطالعات کتابخانه ای، استفاده از منابع و سایت‌های موجود در اینترنت و سندهای در دسترس و موجود بدست آید، بدین معنی است که تحقیق و پژوهش بر طبق مطالعات کتابخانه ای، بهره و سود بردن از منابع و سایتها و اسناد، شامل روند تعمق و تأمل بر نظریه و مکتب هنری کلاسیسیسم و تأثیرات آن در معماری و موسیقی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵- پیشینه پژوهش

تعداد مقالاتی که در زمینه تعمق و تأمل بر نظریه و مکتب هنری کلاسیسیسم و تأثیرات آن در معماری و موسیقی کار شده باشد، چندان زیاد نیست و با وجود تحقیقات و پژوهش هایی در زمینه مکتب کلاسیسیسم، بیشتر آن ها توجه و تمرکز خود را معطوف به دیگر وجوه به لحاظ محتوایی و حسی گذارده اند؛ و تعداد بسیار کمی به تحقیق همه جانبه درباب مکتب کلاسیسیسم و

تأثیرات آن در موسیقی و معماری پرداخته اند، مواردی که در پایین شرح داده شده است برخی از تحقیقات مشابه موضوع مورد نظر ما است.

در بیان پیشینه این پژوهش، برطبق بررسی ها و تفحص صورت گرفته، احمد رضایی جمکرانی و سید حمید فرقانی دهنوی (۱۳۹۷) پژوهشی به منظور مقایسه نظری انواع ادبی در مکتب کلاسیسم و رمانتیسم انجام دادند، این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی در پی تبیین، توضیح، تعریف و مقایسه تطبیقی نظریه و اندیشه‌های ژانر ادبی مکاتب کلاسیسیسم و رمانتیسم بر اساس و مبنای فکری-فلسفی و اجتماعی است که در شکل‌گیری این نظریه و تئوری مهمترین نقش را دارند و تغییر و تحول در آنها زمینه ساز تحول و دگرگونی نظریه انواع ادبی است، نتایج پژوهش نشان می‌دهد ۱- نظریه انواع ادبی مکتب کلاسیسیسم بر اصول و قواعد اجتماعی و فکری مبتنی است که سابقه و دیرینه این قواعد عموماً به یونان باستان و اندیشه‌های ارسطو برمیگردد ۲- از اصول دارای اهمیت مکتب کلاسیسیسم نظریه و عقیده ذات‌گرایی است که طبق آن هر پدیده طبیعی دارای ویژگیها، خصوصیات و صفات است که این صفات ثابت است و ماهیت و هستی آن پدیده را آشکار می‌کند؛ چنانکه شیء به این خصوصیات و ویژگی ها نیاز دارد تا همان چیزی که هست باشد ۳- دو مفهوم اساسی و اصلی دیگر در نظریه و عقیده ادبی کلاسیسیسم محاکات^۱ و طبیعت بود که این دو به طور نزدیکی باهم در ارتباط بود ۴- ویژگی دیگر عقیده و نظریه ژانر کلاسیک، تأکید و دقت و توجه به اجتماع و مخاطب بود؛ چنانکه از زمان و دوره افلاطون و ارسطو تا ظهور و بروز رمانتیسم، غالباً آفرینش و خلق هنری را امری اجتماعی و شعر را ابزاری برای تربیت و آموزش اخلاقی جامعه و اجتماع میدانستند و لذت بخشی و سودمندی شعر نیز جهت و سمتی مخاطب محور و برون‌گرایانه داشت (رضایی جمکرانی، فرقانی دهنوی، ۱۳۹۷، ۱۲۳ و ۱۲۴).

محمدرضا امینی (۱۳۹۰) تحقیق و پژوهشی به منظور تطبیق میانی کلاسیسیسم در فن شعر بوالو و ادبیات فارسی انجام داد، یکی از مناسبترین مکتب های ادبی برای مقایسه با ادبیات کهن و قدیمی فارسی مکتب کلاسیسیسم است که بیشترین نقاط اشتراک میان ادبیات اروپایی و ادب فارسی را در آن می‌توان یافت. مبانی و اصول کلاسیسیسم را نظریه پرداز و شاعر بزرگ و دانا قرن هفدهم فرانسه نیکولا بوالو در کتاب منظوم خود به نام فن شعر به زیبایی هر چه تمام تر بیان کرده است، مهم ترین اصل مکتب کلاسیسیسم یعنی خردگرایی را در بنیاد و ریشه نظریه و عقیده شعر بزرگان ادب فارسی نیز می‌توان مشاهده کرد، نتایج تحقیق و پژوهش نشان می‌دهد که تعمق و تأمل در نظریه‌های ادبی و مبانی و اصول مکاتب مهمی همچون کلاسیسیسم چه ابعاد عمیق و متنوعی را شامل می‌شود و چگونه می‌توان با تفحص و کاوش در متون اصلی و منشورمانندی چون فن شعر بوالو به تصور و پنداری روشن تر از ماهیت و هستی واقعی و اصلی آنها دست یافت و آن را بنیاد و اصلی برای مطالعه و پژوهش تطبیقی آتی با اندیشه‌ها و تفکرات ادبی شاعران و ادیبان ایرانی قرار داد (امینی، ۱۳۹۰، ۵۶ و ۸۱).

۶- آشنایی و شناخت مکتب کلاسیسیسم

کلاسیسیسم گرایشی است که در دوران و زمانه نوزایش یا دوره نوزایی یا دوره تجدید حیات (رنسانس)^۲ در جامعه اروپا، نسبت به اصول و مبانی هنری، فرهنگی و ادبی یونان و روم باستان (که در اصطلاح به آن کلاسیک گفته می‌شود) پدید آمد و باعث تحول و دگرگونی بزرگی در موسیقی، ادبیات، مجسمه سازی و معماری آن زمان و دوران شد (میرصادقی، ۱۳۶۸، ۱۲۱). کلاسیسیسم مکتبی است که طولانی ترین تسلط و چیرگی را بر فضای ادبیات دنیا و جهان داشته است و این تسلط حدود ۲۳ قرن (از قرن پنجم قبل از میلاد تا قرن هجدهم) دوام داشته است (ثروت، ۱۳۸۱، ۱). کلاسیسیسم جنبش هنری و فرهنگی ویژه نیمه دوم قرن هفدهم در اروپا است. این جنبش مبتنی و برپایه آفرینش و خلق آثار ادبی و هنری با الهام از هنر باستان یونان و روم، و بازگشت و رجعت به اصول و قواعد و ارزش های زیبایی شناسی آنان است (<https://lilit.ir/2980/>). به طور کلی کلاسیسیسم عبارت است از عقیده طرفداران تقلید از هنرمندان و نویسندگان یونان باستان یا روم، و نویسندگان سده هفدهم فرانسه است، این مکتب در مقابل دو مکتب دیگر باروک و رمانتیسم قرار میگیرد (معین، ۱۳۷۸، ۱۵۸۶). نهضت امانیسم^۳ یا انسان مداری که تأثیر مستقیمی در شکل گیری مکتب کلاسیسیسم داشت، بر وجود انسان به‌عنوان موجودی ارزشمند و گرانبها تأکید میکرد، پیش از آن و در قرون وسطی یعنی حاکمیت مطلق و کامل کلیسا بر اروپا، انسان موجودی گناهکار معرفی و شناخته میشد که آمدنش به این

^۱ محاکات (Mimesis) اصطلاح و واژه ای در نقد فلسفه و ادبی است که شامل تقلید دیونوسیوسی، تقلید، شباهت غیر حسی، پذیرایی عاملی، وانمایی، بازنمایی، کنش شباهت، کنش بیان، عرضه خویش می شود (ویکی پدیا، محاکات، ۲۰۲۰).

^۲ رنسانس (Renaissance) جنبش و حرکت فرهنگی مهمی بود که آغازگر دوران و برهه ای از انقلاب علمی، پیشرفت هنری و اصلاحات مذهبی در اروپا شد، نخستین بار واژه و لغت رنسانس را فرانسوی ها در قرن ۱۶ میلادی به کار بردند، آغاز دوره نوزایی را در سده ۱۴ میلادی در ایتالیا میدانند. این جنبش در قرن ۱۵ میلادی، شمال اروپا را نیز فراگرفت. رنسانس، یک جنبش و تحول چند صد ساله است که از فلورانس ایتالیا آغاز شد و به عصر روشنگری در اروپا انجامید (ویکی پدیا، رنسانس، ۲۰۲۰).

3 Humanism

دنیا و جهان تنها برای ریاضت و پاکسازی روح و روان بود؛ اما نهضت و جنبش امانیسم، اصالت فرد و شخص را احیاء و زنده سازی کرد و تصویر نو و تازه ای از انسان ترسیم نمود، از آن پس، شخص و فرد به عنوان موجودی ارزشمند و دارای عقل و شعور، راه تفکر را در پیش گرفت و نیرو و قدرت بالقوه خود را برای تولیدات فرهنگی و علمی به کار بست و از روش های تجربی برای کشف و درک حقیقت های جهان بهره برد (ویکی فقه، مکتب کلاسیسم) (سیدحسینی، ۱۳۸۴، ۸۷). انسان مداری رایج در این برهه و زمان، بار دیگر هنر یونان باستان را زنده و احیاء کرد؛ چرا که در یونان و روم باستان نیز به دور از سختگیری ها و تعصبات مذهبی به انسان به عنوان موجودی دارای تفکر و بینش نگریسته میشد؛ از این رو هنرمندان قرن شانزدهم بار دیگر به سراغ آثار و فرهنگ این دو خطه و سرزمین رفتند و به این ترتیب مکتب کلاسیسیسم شکل گرفت (ویکی فقه، مکتب کلاسیسم).

به طور کلی نیمه دوم قرن شانزدهم، دوره و زمانه ای بود که در آن برای اولین بار آیین ادبی جامع و کاملی برای خلق و آفرینش آثار ادبی به وجود آمد، این قواعد و آیین که دارای اصولی بودند که حتی تا پایان قرن هجدهم نیز اعتبار و ارزش خود را از دست نداد، در آغاز قرن هفدهم مایه ایجاد مکتب کلاسیسیسم شد (شعبانی، ۲۰۱۸). مکتب کلاسیسیسم جنبش و حرکتی است که می توان با توجه به آن اشکال سنتی که بر تقارن و ظرافت متمرکز شده اند تعریف کرد، یونانیان و رومیان این موضوع را به عنوان ایده ای برای به کمال رساندن میدانند، سبک کلاسیک به خصوص در بین هنرمندان رنسانس رواج داشت.

(http://www.artmovements.co.uk/classicism) (تصویر شماره ۱) (تصویر شماره ۲).



تصویر ۱- تقارن و ظرافت در فضای داخلی کلیسا سن پیترو ایتالیا (https://www.airfrance.ie/).
تصویر ۲- تقارن و ظرافت در نمای بیرونی کلیسا سن پیترو ایتالیا (http://artthropology.com/).

کلاسیسیسم مکتب قواعد، قوانین و اصول است که باید ها و نبایدهای بسیاری را شامل می شود، پیروان و حامیان این مکتب، مطابق قوانین، اصول و قواعد گذشتگان و پیشینیان عمل میکنند و در ادبیات به تقلید از ادبیات یونان و روم می پردازند، در سده هفدهم، آثار نویسندگان به دو دسته و گروه کلاسیک و غیرکلاسیک یا مردمی دسته بندی میشد، ادبیات کلاسیک نیز، ادبیاتی مردمی و عامه پسند نیست، این ادبیات مختص و ویژه قشر تحصیل کرده و خاص مدارس در جهت آموزش و طبقات بالای جامعه است. از نظر نویسندگان و هنرمندان کلاسیک یک اثر هنری یا ادبی با رعایت دقیق و کامل قواعد و اصول کلاسیک میتواند به درجه و رتبه «زیبایی» و «کمال» مطلوب و پسندیده برسد، به همین علت نویسندگان و شعری مانند میشل دو مونتینی^۱، رونسار^۲ چون این اصول و قواعد را رعایت نمیکردند و بیشتر به زبان مردم و عامه می سرودند یا مینوشتند، آنها را جزو نویسندگان و هنرمندان کلاسیک محسوب نمیکنند (https://vista.ir/m/a/dl0jh/, 1399). در زیبایی شناسی مکتب و جنبش کلاسیسیسم (سده هفدهم) تفسیر و تشریح تازه ای از نظریه و عقیده عینی زیبایی ارائه گردید که با شرایط فرهنگی و اجتماعی آن دوران و زمانه سازگار بود. این تفسیر تحت تأثیر خردگرایی آن دوران و زمانه، بر این پایه استوار و پایدار گردید که عقل و زیبایی لازم و ملزوم یکدیگرند و زیبایی در پدیده های عقلانی ظهور و نمود پیدا می کند. به گفته «نیکولا بوالو» نظریه پرداز هنری قرن هفدهم، «جز حقیقت هیچ چیز زیبا نیست» این نظریه و عقیده، زیبایی را در پدیده های معقول و پسندیده دوران یعنی در وحدت و یکپارچگی ملی، اقتدار و توانایی دولت، نزاکت اخلاقی، تقلید از گذشتگان و پیشینیان و مانند آن میدانند، «عقل سلیم» را به عنوان معیار و ملاک تشخیص زیبایی معرفی می کند، زیبایی شناسی کلاسیسیسم، در عصر پیدایش و ظهور سلطنت مطلقه^۳ و اقتدار ملی،

1 Michel de Montaigne
2 Pierre de Ronsard

۱ سلطنت و پادشاهی مطلقه به حکومت پادشاهی ای گفته میشود که در آن شخص پادشاه تا زمان مرگ حکومت و پادشاهی کرده و بعد از خودش جانشین انتخاب میکند و هیچ گونه حقی برای شخص های دیگر و مردم قائل نیست (ویکی پدیا، پادشاهی مطلقه، ۲۰۱۹).

به‌عنوان واکنش و عکس‌العمل در برابر زیبایی‌شناسی لاهوتی، ملکوتی و الهی قرون وسطی و سلطه کلیسا پدید و آشکار شد و در مسیر تحول و دگرگونی ارتجاعی خود به سنت پرستی اشرافی و تجمل‌گرایی کشیده شد. (<https://iranantiqu.com/terminology/art-trends/classicism>)

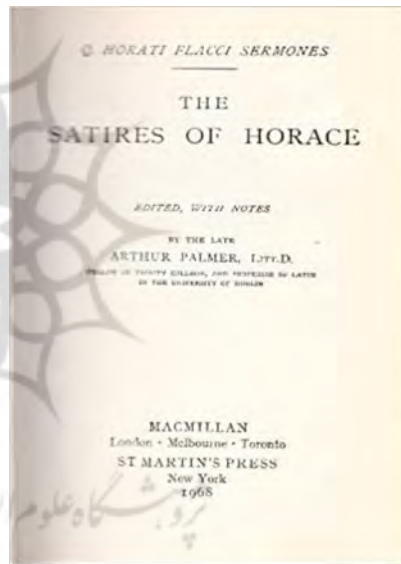
۷- تأثیر اصول و قواعد مکتب کلاسیسیسم در هنرهای معماری، موسیقی و دیگر هنرها

۷-۱- نگاه به گذشته

"نگاه مکتب کلاسیسیسم پیوسته به گذشته است، چه موقع و زمانی که نظریه پردازی می‌کند و چه مواقعی که اثری را خلق و آفرینش می‌کند." (سکرتان، ۱۳۸۰، ۱۶) به عقیده و نظر کلاسیسیست‌ها چون پیشینیان، توانسته‌اند مناسب‌ترین و زیباترین مظاهر طبیعت را انتخاب کنند و در آثارشان بیان کنند، پس بهتر آن است که نویسندگان دنیای جاودانه و پایایی را که در آثار پیشینیان و گذشتگان است جستجو و تفحص کرده و آن را مقتدا و پیشوای خود قرار دهند (سیدحسینی، ۱۳۵۸، ۲۹). از نظر کلاسیک‌ها، آثار برجسته یونانی و رومی، حتی از طبیعت نیز قابل اطمینان‌تر و اعتمادتر و برای تقلید شایسته‌تر و سزاوارتر هستند، زیرا آنچه در آنها نشان و نمایش داده شده، جنبه جاودانی، پایا و جهانی دارد و در نوع خود کامل و مطلق است و به عبارت دیگر، آن آثار همانند طبیعت، قابل الگوبرداری و تقلید هستند. از نظر آنها، احساسات و عواطف بشر تغییرناپذیر و همیشه یکسان هستند و واقعیتها و حقایق بزرگ جهان، کاملاً شناخته شده‌اند. از این رو، به خوبی می‌توان برای نمایش و نشان دادن طبیعت بشری، از الگو و سرمشق‌های کمال یافته گذشته و پیشین سود جست (میرصادقی، ۱۳۶۸، ۱۲۲). به نظر کلاسیک‌ها راز عظمت و بزرگی یونان و روم وجود افراد و کسانی همچون ارسطو، سوفوکلس، ویرژیل، اووید، هوراس و... بود لذا باید از آنان تقلید و الگوبرداری کرد. مردم این دوره طنزهای هوراس را درباب جامعه ی روم برای دوره ی خود هم معتبر میدانستند (شمیسا، ۱۳۹۴) (تصویر شماره ۳)



تصویر ۴- نسخه خطی یکی از آثار هوراس
(<https://commons.wikimedia.org/>)



تصویر ۳- نخستین کتاب مجموعه طنز به نویسندگی هوراس
(<https://www.amazon.com/>)

معماری کلاسیک گونه‌ای از معماری است که از عناصر و جزئیات برگرفته از معماری دوران و برهه روم و یونان تشکیل شده است. سبک‌های معماری زیاد و بسیاری از معماری کلاسیک الهام و الگوبرداری کرده‌اند و این موضوع باعث شکل‌گیری باز زنده سازی‌هایی مانند معماری نئوکلاسیک^۴ از میانه سده نوزدهم و طرح‌های یونانی در سده بیستم شد، یکی از نمونه و مثال‌های بارز به کار رفته معماری کلاسیک را می‌توان، کاربرد نمای رومی در نمای ادارات قدیمی کشور و نمای شهری منازل نام برد (سایت گروه معماری آرل، ۱۳۹۴) (تصویر شماره ۵) (تصویر شماره ۶).

- 1 Virgil
- 2 Ovid
- 3 Horace
- 4 Neoclassical architecture



تصویر ۵- بنای تحت تأثیر معماری روم - نمای خارجی
موزه تاریخ طبیعی لندن انگلستان
(Natural History Museum Site)



تصویر ۶- بنای تحت تأثیر معماری روم - نمای خارجی
ساختمان پایتخت ایالت کالیفرنیا
(<https://interestingengineering.com>)

بارزترین و آشکارترین خصوصیات و ویژگی های شیوه کلاسیک در موسیقی جنبه به اصطلاح «معماری و ساختمانی» آن است، نقشه و طرح ساختمانی موسیقی در هیچ برهه و دوره پیش از آن، چنان مورد توجه و مطالعه قرار نگرفته و بکار برده نشده بود (فورم های موسیقی، کلاسیسیسم، ۱۳۳۷، ۴۳ و ۴۴). اصطلاح کلاسیک، به اثر موسیقی ای اطلاق و گفته می شود که به حد توازن، اعتدال، کمال و استحکام رسیده باشد؛ از روی اصول، قواعد و مقررات ساخته و پرداخته شده و خالی از حشو و پیچیدگی بیهوده جلوه کند، از نظر ساختمان و ساختار، نقشه و طرحی متوازن و منطقی داشته باشد و از جهت و لحاظ ملودی و وزن و تونالیته و هارمونی نیز بر پایه و اساس طرح و نقشه و روشی منطقی و روشن استوار باشد (همان، ۴۴). هنرمند کلاسیک معتقد است که همه چیز گفته شده است ولی هیچ چیز کاملاً درک و دریافت نشده است، بنابراین، حقایق باید در هر دوره و زمانه تکرار شوند؛ بنابراین کلاسیک ها تقلید از هنرمندان پیشین یونان و روم را عار نمیدانند و آثار آنان را در خور و شایسته تفکر و تعمق میدانند و معتقدند که این آثار حرفهای تازه ای برای خوانندگان خود دارند (ویکی پدیا، کلاسیسیسم، ۲۰۲۰).

یکی از اصول و قواعدی که در یونان و روم باستان وجود داشت، «تقارن» بود، که در دوره کلاسیک نیز راه پیدا کرد. تقارن یکی از ویژگی هایی است که به طور معمول و رایج در هنرهای مختلف اعم از موسیقی نیز کاربرد دارد، در موسیقی قرینه سازی تأثیرات عالی و مثبت بر آرامش شنوایی میگذارد، قرینه سازی و تقارن در موسیقی به صورت سؤال و جواب اعمال و اجرا می شود. اصطلاحی به نام تقارن آینه ای وجود دارد بدین معنا و مفهوم که نت های بالارونده موتیف قبل، به صورت پایین رونده و بازگشت به نت تونیک (پایه) جمله موسیقی را کامل می کند (واحدی، ۱۳۹۹، ۱۰) (تصویر شماره ۷).



تصویر ۷- تقارن آینه ای در موسیقی (واحدی، ۱۳۹۹، ۱۰)

۲-۷- پیروی از عقل

بوالو میگفت: "عقل و منطق را دوست بدارید، پیوسته بزرگترین و مهمترین ارزش و زینت اثرتان را از آن کسب و دریافت کنید" (سیدحسینی، ۱۳۵۸، ۳۱). در بین کلاسیک ها این اصل اهمیت فراوان و زیادی دارد و از این جهت و لحاظ که باورها و عقیده های پرشماری در مورد آن ابراز می شود قابل گفتگو و بحث است، اثر عقل این است که تخیل انسانی را در گذرگاه و مسیر درست هدایت می کند و آن را محدود میسازد، به این ترتیب عقل سلیم بر هنر حاکم می شود، اصل عقل بر ادبیات کلاسیک چیره و غالب است (نادری، ۱۳۹۰). هر چند ارسطو نیز در اصول و قواعد هنری خود به رعایت اصول عرف و عادت و حدی که از نظر و عقیده او حدّ وسط و معقول ذکر و نامیده می شود، اعتقاد و باور دارد (میرصادقی، ۱۳۶۸، ۱۲۲). به عبارت دیگر، ارسطو رعایت «حدّ وسط» را که مراد و هدفش توصیه بر عدم خروج از عرف و عادت عموم بود توصیه و گوشزد میکرد. بنابراین توجه به خرد را باید

تأثیر فلسفه اصالت عقل (راسیونالیسم) ۱ دانست نه ارسطو (ثروت، ۱۳۸۱، ۱۲). کلاسیک‌های جدید، اصل عقل را بیشتر از دیدگاه و نظر راسیونالیسم می‌بینند و اعتقاد دارند که عقل علاوه بر هدایت و راهنمایی تخیل شخص نویسنده به راه درست و صحیح، به او قدرت و توانایی قضاوت درست و صحیح می‌بخشد و به بیان و گفته دیگر، می‌گویند که عقل باید در انتخاب آن چه شخص شاعر، هنرمند و... می‌خواهد برای تقلید از طبیعت انتخاب کند، راهنما و پیشوای او باشد (میرصادقی، ۱۳۶۸، ۱۲۳ و ۱۲۲).

خردگرایی در معماری برخاسته از یک اعتقاد و باور عمومی به حل مشکلات عینی و واقعی از طریق فرآیند و پروسه‌های خردگرایانه بود (مانیاگو لامپونینی، ۱۳۸۱). معماری خردگرا به دنبال خردگراترین راه حل‌های ممکن برای مسایل طراحی است که جنبه‌های عملکردگرایی نظیر مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فلسفی، سمبل‌گرایی و سبک‌شناسی را در بر گرفته و شامل می‌شود و مرتبط به نظم و سازماندهی منطقی شهرها و گونه‌های معمارانه است (<http://4sooarc.com/>). اصول معماری خردگرا در ۷ اصل تعریف می‌شود: ۱- تفکر شهرسازی و معماری و تولیدات مبتنی بر طراحی صنعتی ۲- حداکثر صرفه‌جویی در کاربرد زمین و نیز ساختن بنا ۳- بهره‌مندی از فنون صنعتی به روش نظام یافته، استاندارد کردن، پیش‌ساختگی در تمام سطوح طراحی محیطی از شهرسازی تا طراحی صنعتی ۴- تقدم شهرسازی بر معماری ۵- تقدم کار گروهی بر کارهای انفرادی ۶- عقلایی بودن فرم معماری به طریقی روشمندانه ۷- نفی مفهوم سبک (مانیاگو لامپونینی، ۱۳۸۱).

برخی از خصوصیات معماری خردگرا: ۱- سطوح صاف و یکدست ۲- استفاده زیاد از شیشه ۳- زوایای قائمه ۴- رنگ سفید ۵- عاری بودن از تزئینات ۶- برخوردار از سازه ۷- توزیع کارکردها به گونه‌ای تا حد امکان مشخص (همان). برخی از آثار معماری خردگرا (تصویر شماره ۸) (تصویر شماره ۹).



تصویر ۹- ساختمان مسکونی، طراحی آلدو روسی و کارلو آیمنونو، واقع شده در کشور ایتالیا (Fiederer, 2020)



تصویر ۸- ویلا استین دومونزی، طراحی لوکوربوزیه، واقع شده در کشور فرانسه (Rafferty, 2014)

کلاسیسیسم براساس و پایه منطق و عقل استوار است. همچنین با دید و نگاهی وحدت‌گرا به دنبال نظم و سادگی و منطق و عقل و خردگرایی هستند که در واقع به اثر ارزش و لیاقت هنری یا ادبی می‌بخشند (ویکی‌پدیا، کلاسیسیسم، ۲۰۲۰). که این خصوصیات و ویژگی‌ها در خلق یک اثر موسیقی نیز دخیل هستند.

۷-۳- حقیقت ماندنی (حقیقت‌نمایی)

این اصل از اصول برگرفته از فن شاعری ارسطو است. از نظر شخص ارسطو به آن چه قابل بازگویی و نقل است، عین حقیقت نیست، بلکه چیزی است که احتمال و امکان وقوع و بروز آن وجود دارد، از این سو و جهت شبیه حقیقت است، بدین معنی که حالات و حوادثی که نه در مورد یک فرد خاص، بلکه در رابطه و مورد افراد دیگر نیز مصداق پیدا کند و به عبارت دیگر، نه جنبه اندک و جزئی و خاص، بلکه جنبه عام، کلی و عمومی داشته باشد (میرصادقی، ۱۳۶۸، ۱۲۳). در هنر حقیقت‌نما از چیزهایی سخن گفته می‌شود که وقوع و بروز آن برحسب (ضرورت) یا (حقیقت‌نمایی) امکان داشته باشد (احمدی بیرجندی، سایت کتابخانه دیجیتال تبیان). در آثار ادبی کلاسیک، نویسنده اتفاقات و رویدادهایی را که قابل وقوع است مطرح می‌کند و این اصل از اصول و کلیات برگرفته از هنر شاعری ارسطویی است بدین معنا که ابتدا توسط ارسطو مطرح شد (محمدیان، ۱۳۹۱). حوادث و مسائلی که

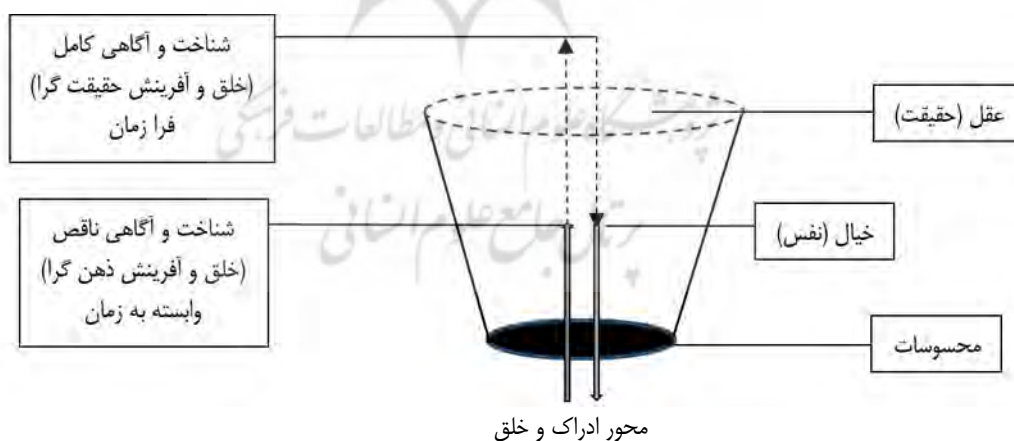
۱ مکتب اصالت عقل یا راسیونالیسم به معنی تکیه بر اصول و قواعد منطقی و عقلی در اندیشه و تفکر، گفتار و رفتار است. این کلمه زمانی که در ارتباط با متفکران و نظریه پردازان نخستین قرن هفدهم از جمله رنه دکارت به کار می‌رود، به مفهوم و معنای باور و اعتقاد به عقل به عنوان تنها منبع معتبر شناخت است. آنها تلاش و کوشش نمودند حقایق اصلی هستی را از راه برهان و استدلال عقلی اثبات کنند (ویکی‌پدیا، خردگرایی، ۲۰۲۰).

در ادبیات مطرح میشوند باید حقیقت نما باشند نه حقیقی، اگر تاریخ حقیقت است ادبیات محتمل حقیقت است (شمیسا، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر «حقیقت ماندی» یعنی تشبیه کردن «واقعیت و حقیقت داستانی» به «واقعیت و حقیقت رئالیستی» به شکل و گونه‌ی قابل قبول و باورپذیر. نویسندگان و هنرمندان ابزار و مصالح داستان و یا اثر هنری خود را از دنیای حقیقی و واقعی میگیرند و آن را با نیرو و قدرت تخیل و ذهنیت خود در می‌آمیزد و مخلوقی دگرگونه ارائه و عرضه می‌کند. از این روست که گفته و بیان می‌شود که یک پای حقیقت نمایی (حقیقت ماندی) «واقع نمایی» در دنیای حقیقی و واقعی «رئال» و قوانین کلی زندگی قرار دارد، و پای دیگرش در قدرت و نیرو تخیل و ترکیب ذهن و اندیشه داستان نویس و شخص هنرمند است (رضی زاده، ۱۳۹۲). در تصویر (شماره ۱۰) یک نمونه از اثر هنری علی ترقی جاه ۱۶ را مشاهده میکنید. به گفته جاوید رضانی، نقاش ما در پی کشف حقیقت، جهان و دنیا خیالی خود را رقم زده است (رضانی، ۱۳۹۷).



تصویر ۱۰- اثر هنری نقاش معاصر علی ترقی جاه (<http://www.ghanoondaily.ir/>)

نوع شناخت و معرفت در هر جهان بینی، میزان و مقدار «ماندگاری» اندیشه در آن جهان بینی را مشخص و تعیین می‌کند که در بازشناسی هنر و معماری، غایت و مقصود شناخت، «کشف و یافتن حقیقت» و غایت و هدف خلق و آفرینش، «حصول ماندگاری» اثر است (اشرفی، نقی زاده، ۱۳۹۴، ۳۷). قواعد الگو و مدل‌های جدید نظم بیشتر از سرچشمه و مبدأهای غیرقابل پیش بینی، غیرغایتمند و وابسته و متکی به دریافت انسان نشأت میگیرند (تقوایی، ۱۳۸۹). پابلو پیکاسو^۲ در ارتباط با تولد کوبیسم^۳ در آثارش میگوید: «زمانی کوبیسم را ابداع کردیم، اصلاً هیچ قصد و هدف مشخص و معینی از کوبیسم نداشتیم، ما میخواستیم تنها و فقط آنچه که در ذهنمان بود بیان کنیم» (تصویر شماره ۱۱) (اشرفی، نقی زاده، ۱۳۹۴، ۴۴).



تصویر ۱۱- فرآیند و پروسه خلق و آفرینش ذهن گرا و حقیقت گرا (اشرفی، نقی زاده، ۱۳۹۴، ۴۴).

۱- علی ترقی جاه متولد سال ۱۳۵۵ در تهران است، لیسانس نقاشی و بیش از صد و هفتاد نمایشگاه فردی و جمعی در ایران و خارج از کشور برگزار کرده است، وی فرزند محمدعلی ترقی جاه است (بیوگرافی علی ترقی جاه، <http://arthibition.net/>)

2 Pablo Picasso

۳- کوبیسم یا حجم گرایی یکی از سبک‌های هنری است، کوبیسم در فاصله سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۰۸ به عنوان سبکی جدی در نقاشی و تا حد محدودتری در تندیس‌گری بروز و ظهور کرد، که از نقاط عطف جهان غرب به شمار می‌آید (ویکی‌پدیا، کوبیسم، ۲۰۲۰).

شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات یک «اثر» هنری ماندگار اعم از موسیقی نیازمند شناخت و آگاهی مشخصه های یک «اندیشه» است. در ورای کالبد مادی، اندیشه و تفکرانی پنهان شده است که در بسیاری موارد، هنر بهانه ای برای بیان و شرح رمز و رازها است (پورجعفر، اکبریان، انصاری و پورمند، ۱۳۸۶). همانطور که گفته شد «حقیقت ماندنی» یا «حقیقت نمایی» یعنی تشبیه کردن حقیقت غیرواقعی، داستانی، روایت شده به حقیقت رئالیستی، واقعی و حقیقی به شکل و گونه قابل قبول و باورپذیر. هنرمند در هر تخصص و رشته هنری اعم از موسیقی و معماری و... ابزار و مصالح اثر هنری خود را از دنیای حقیقی و واقعی میگیرد و آن را با نیرو و قدرت تخیل و ذهنیت خود در می آمیزد و مخلوقی دگرگونه عرضه می کند (رضی زاده، ۱۳۹۲).

۴-۷- تقلید و نمایش از طبیعت

نیکولا بوالو میگوید: "حتی یک لحظه و زمان هم از طبیعت غافل نشوید". منظور از این تقلید، تقلید از طبیعت انسانی است، نه طبیعت خارج. به همین جهت و راستا یکی از نویسندگان و قلم به دستان قرن هفدهم میلادی میگوید: گفتار و بیانی که در آن فقط از رودها، چمنزارها، باغ ها، کوه ها و درختان سخن رود، اثر رخوت و سستی آوری در ما دارد یا حداقل لذت تازه و جدیدی ایجاد نمیکند، اما آنچه از بشریت گرفته شده است، از جمله محبتها و تأثرات، تمایلات و... طبیعتاً در اعماق روح هر انسانی نفوذ می کند و احساس می شود، زیرا زاییده و متولد طبیعت واحدی است و به آسانی و راحتی از روح شخص هنرمند به روح خواننده یا تماشاگر منتقل می شود، کلاسیک ما را از صفات پست و فرومایه انسانی منع می کند (احمدی بیرجندی، سایت کتابخانه دیجیتال تیپان). به عبارتی دیگر آیین کلاسیک شخص هنرمند را از نشان دادن صفات پست منع می کند زیرا معتقد است که این صفات در حیوانات نیز وجود دارد و صفاتی که ما را از حیوانات متمایز ساخته و انسان نموده است خیلی بالا و بالاتر از اینهاست پس باید آن صفات توصیف و تشریح گردد، حیوانات اسیر و گرفتار غرایز هستند و انسان حاکم و چیره بر حیوانات است، صفاتی را باید در انسان گفت که زودگذر نیست بلکه مداوم است و در روح او وجود دارد (نادری، ۱۳۹۰). هنرمند کلاسیک به جای نقاشی طبیعت، صورت کاملتری از آن میسازد و آنرا با آرزوها و آرزوها و ایده آل های بشریت توأم می کند، بنابراین هنرمند کلاسیک نمیخواهد تمام طبیعت را بیان و شرح دهد او فقط درصدد و تلاش تقلید طبیعت انسانی است و چون صفات زشت و غرایز هم در انسان و هم در حیوانات مشترک است، پس او باید آن صفاتی را تشریح و توصیف کند که زودگذر نیست و بانی و پایه گذار تعالی و ترقی روح بشر است (علیزاده، ۱۳۹۴). کلاسیکها طبیعت را در آثار خود نه با تمام حقایق و واقعیتها بلکه تنها با جنبه ها و فاکتورهای ایده آل و خوب آن عرضه و ارائه میدهند بدین معنا که طبیعت را نه آنطور که هست بلکه آنچه انسان که میخواهند باشد، همراه با آرزوها و آرزوهای خود نمایش و ارائه میدهند، آنان با درنظرگرفتن منطق و عقل و بدون دخالت احساسات و عواطف خود طبیعت را به تصویر میکشند (<https://vista.ir/m/a/dl0jh>). از نظر پیروان این مکتب، بیشتر طبیعت و هستی و ماهیت انسان مورد نظر است، با پایان یافتن قرون وسطی و بروز و پیدایش انسان گرایی و آغاز و شروع دوران رنسانس (نوزایی)، ذهن هنرمندان از محدودیت هایی که حاصل و ثمره تسلط و چیرگی مسیحیت بود، آزاد شد و انسان با وظیفه و جایگاه ای که در دنیا و جهان داشت و هم چنین ارتباط او با طبیعت و خدا، موضوع اصلی و مهم اثر ادبی و هنری شد (میرصادقی، ۱۳۶۸، ۱۲۲).

۵-۷- هارمونی یا برازندگی یا نزاکت ادبی

به باور نویسندگان و هنرمندان کلاسیک آن چیزی زیبا است که با طبیعت خودش و با طبیعت ما نیز سازگار و انطباق داشته باشد، رعایت چنین انطباق و سازگاری را در مکتب کلاسیک «نزاکت» میگویند، نزاکت ادبی یکی از شرایط اساسی و اصلی ایجاد آثار کلاسیک است، برای رعایت نزاکت ادبی باید شایستگی و سزاواری اثر از لحاظ و جهت اخلاقی حفظ شود، جنبه و جهت اخلاقی حوادث و رفتار قهرمانان اثر با عادت، سنت و عرف عمومی سازگار باشد و رفتار هر فرد و شخص با موقعیت و وضع او و با روحیه او مطابقت کند، همچنین مشخصات و روحیه قهرمان در سراسر اثر ثابت بماند و متحول و دگرگون نشود (نادری، ۱۳۹۰). مکتب کلاسیسیسم هم زمان با استقرار و تثبیت حکومت های سلطنتی در اروپا شکل و صورت گرفت و در آن زمان ادبیات ابزاری در دست اشراف و بزرگان بود و نیز به سبب آنکه شاعران، نویسندگان و در مجموع هنرمندان خود را مقید به اجرا قواعد و اصول خاصی میکردند، این ادبیات از سطح عوام بالاتر رفت و مخاطبان خاص و ویژه ای برای خود یافت، هدف این آثار، سرگرمی و تفریح نبود؛ بلکه رواج اصول اخلاقی در اجتماع بود (ویکی فقه، مکتب کلاسیسیسم). رعایت مسائل اخلاقی و مذهبی کلاسیسیسم «مکتب اخلاقیون» است، از نظر و عقیده آنان اثر ادبی و هنری علاوه بر آموزنده بودن باید در خدمت «اخلاق و مذهب» نیز باشد (<https://vista.ir/m/a/dl0jh>). به عبارت دیگر نزاکت ادبی در تعریف زیبایی شناسی کلاسیک، ایجاد توافق میان طبیعت مطلب مورد بحث و گفتگو با طبیعت اثر است، این هماهنگی و توافق شامل هماهنگی بین قسمت و بخش های مختلف اثر و

۱- قرون وسطی، قرون میانی یا سده های میانی، به دوره ای از تاریخ اروپا از قرن پنجم تا قرن پانزدهم میلادی گفته میشود. قرون وسطی به سه عصر قرون وسطای آغازین، قرون وسطای میانی و قرون وسطای متأخر تقسیم بندی میشود (ویکی پدیا، قرون وسطی، ۲۰۲۰)

هماهنگی با روحیه مخاطب اثر است (Ar Man, Facebook, 2014). برازندگی یکی از اصطلاحات و واژه‌های اصلی و اساسی زیبایی‌شناسی کلاسیک است، رعایت برازندگی برای شخص هنرمند، نه تنها حفظ ظاهر آراسته و سزاواری اثر است بلکه رعایت قراردادهای ادبی و هنری است، او نباید هیچ چیز نابجا و بی‌ربطی بگوید و باید متناسب با قراردادهای ادبی رفتار کند، نیکولاس راپن^۱ در کتابی به اسم اندیشه‌هایی درباره بوطیقای ارسطو^۲ چنین مینویسد: «آنچه مخالف قواعد زمانه، احساسات و عواطف و اخلاق و آداب باشد، بیانش مخالف برازندگی است.» (علیزاده، ۱۳۹۴).

شاید بتوان گفت که پنج اصلی که به آن‌ها اشاره شد راهبردی‌ترین و مهم‌ترین اصول و قواعد محتوای تمام اثرهای کلاسیک‌ها است. اما می‌توان اصول و قواعد دیگری نیز به آن‌ها اضافه کرد: ایجاز و وضوح، تناسب و هماهنگی، اعتدال، آموزندگی و خوشایندی.

۸- قانون سه وحدت (وحدت‌های سه‌گانه)

این قانون که اصول و قواعد اساسی و اصلی کلاسیک محسوب می‌شود شامل سه وحدت موضوع، زمان و مکان می‌باشد که از ادبیات یونان و آثار ارسطو به ارث و به جا مانده است، نویسندگان کلاسیک به پیروی و اطاعت از پیشوایان یونانی خود عقیده و باور داشتند که در هر اثر ادبی و هنری باید این وحدت‌ها رعایت شود، آثاری که فاقد این وحدت‌ها باشند نمیتوانند مورد قبول و پسند هنرمندان کلاسیک واقع شوند (شفیع زاده، ۱۳۹۴)

۸-۱- وحدت موضوع

وحدت موضوع عبارت است از اینکه حوادث و وقایع اضافی و فرعی، وارد و داخل حادثه و پیشامد اصلی نشود و حادثه نمایش نامه از شاخ و برگ‌های خارجی و وقایع زائد و اضافی پاک باشد، «وحدت موضوع» را ارسطو در بوطیقای (فن شعر) خود بیان کرده است، نخست می‌گوید که وحدت موضوع به هیچ وجه و ابداً فقط با انتخاب یک نفر و شخص به‌عنوان قهرمان داستان و حکایت حاصل نمی‌شود زیرا در زندگی یک شخص ممکن است چندین حادثه و واقعه گوناگون و متفاوت اتفاق بیفتد سپس از گفته‌های خود چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «افسانه و داستان فقط باید یک موضوع و حائنه را به طور کامل بیان کند، همه قسمتها و بخش‌های این موضوع چنان باید در کنار هم قرار گیرند و چنان وحدت و اتحادی تشکیل دهند که کوچکترین قسمت و بخشی از آن را نتوان تغییر یا حذف کرد، زیرا آن مضمون و محتوایی که هم بتوان در مطلبی وارد کرد و هم بدون لطمه و آسیبی به مطلب از آن حذف کرد، جزو آن مطلب و محتوا نیست.» این اصل در اوایل قرن و سده هفدهم باعث کشمکش‌های فراوان و بسیاری شد ولی رفته رفته نویسندگان و هنرمندان کلاسیک بر این اصل تکیه و اتکا کردند و توصیف و شرح و تأویل‌هایی بر آن نوشتند و به‌عنوان اصل مسلم و قطعی قبول کردند که هر اثری باید فقط یک حادثه و واقعه زندگی و زیست قهرمان را بیان کند، حادثه و پیشامدی که تمام قسمت و بخش‌های آن مربوط به هم باشد (همان).

۸-۲- وحدت زمان

وحدت زمان نیز از ارسطو به یادگار مانده است، ارسطو می‌گوید: «تراژدی میکوشد و در تلاش است که تا حد امکان خود را در یک شبانه روز محصور کند و یا حداقل از این حدود تجاوز و تعرض نکند.» نمایشنامه مطلوب و موردپسند آن است که مدت و زمان وقوع حادثه و رخداد آن معادل همان مدتی باشد که برای نمایش و ارائه دادن آن لازم است، زیرا جا دادن حادثه و رخداد و رویداد سالها و قرن‌ها در یک نمایشنامه یکی دو ساعتی طبیعی و باورپذیر نیست و به دور از حقیقت‌مانندی است و عدم تناسب مدت زمان نمایش با زمان واقعی و حقیقی، حوادث و رخدادهای تراژدی را از شکل و صورت حقیقی و واقعی دور و خارج می‌کند (همان). کلیت نمایش باید به بیان یک داستان و روایت در یک زمان فیزیکی خاص که معمولاً از بیست و چهار ساعت تجاوز نمی‌کند ارائه و عرضه شود، کلیه ماجراهای گذشته و پیشین به صورت روایت و از زبان قهرمانان نمایش نقل و حکایت می‌شود (ویکی‌پدیا، وحدت‌های سه‌گانه، ۲۰۱۹).

۱- نیکولاس راپن (به فرانسوی *Nicolas Rapin*) مترجم، شاعر و طنزپرداز فرانسوی بود (Wikipedia, Nicolas Rapin, 2019)

۲- رساله فن شعر ارسطو (فن شعر=بوطیقا) از مهم‌ترین میراث فلسفی ادبی یونان می‌باشد، این رساله، اولین کار و اثر بازمانده در حوزه نظریه‌های دراماتیک و نخستین رساله فلسفی موجود با تمرکز بر نظریه ادبی و سخن‌شناسی است (ویکی‌پدیا، فن شعر(ارسطو)، ۲۰۲۰)

۸-۳- وحدت مکان

درباره وحدت مکان ارسطو چیزی نگفته است، بلکه وحدت مکان را یک منتقد ایتالیایی در سال ۱۴۴۵ مطرح کرد، منتقد مزبور اصل وحدت مکان را از اصل وحدت زمان نتیجه گیری کرده و بیان کرده است که اگر مدت زمان نمایش کوتاه باشد ولی مکان هایی که حوادث و رخدادها در آن اتفاق می افتد متعدد و گوناگون و دور از هم باشد تراژدی جنبه طبیعی خود را از دست میدهد، از این رو حادثه و رویداد تا حد امکان باید در مکان واحد و یکتا اتفاق بیفتد، تراژدی زمانی مؤثر واقع می شود که جمع و جور باشد و اگر حادثه و رخداد آن بین زمان های مختلف و متفاوت و مکان های متعدد تقسیم شود، عاقلانه به نظر نمی آید، وحدت مکان نخست چندان اجباری و الزامی شمرده نمیشد و بیان میکردند مکان واحدی که برای یک نمایشنامه در نظر گرفته می شود، ممکن است عبارت از یک ایالت، یک شهر یا یک جزیره باشد و یا به قول پیر کورنی^۱ «نقاطی که در مدت زمان ۲۴ ساعت بتوان بین آنها رفت و آمد کرد». ولی در سال ۱۶۳۵ ژان شاپلن^۲ آن را کاملاً اجباری و جدی اعلام کرد و بیان کرد که در سراسر نمایش هیچگونه تغییر دکوری جایز نیست، بالاخره در سال ۱۶۶۰ پیروزی و برتری هر سه وحدت در عالم ادب و فکر قطعی و حتمی شد (شفیع زاده، ۱۳۹۴). توضیحی دیگر از وحدت مکان این است که کل داستان باید در یک منظر نمایشی واحد و یکتا اجرا شود، همانطور که زمان پس و پیش نمی شود مکان نیز باید ثابت و پایدار بماند، در بازگفت هایی که از زبان شخصیت های نمایش و اجرا در مورد اتفاق و رخدادی در زمان و مکانی دیگر رخ داده است، معمولاً برای قرار گرفتن تماشاگر در فضای قصه و داستان از اِلمان های متحرکی که به صورت نشانه بیانگر و توضیح دهنده آن مکان خاص بود استفاده میشد (ویکی پدیا، وحدت های سه گانه، ۲۰۱۹). البته از وحدت چهارم هم صحبت شده است، هوراس، شاعر رومی در اثر خود به اسم «هنر شعر» از وحدت لحن نیز سخن گفته است، بدین معنا که هر اثر باید لحن خاص خود را نیز داشته باشد و این لحن در سراسر اثر حفظ شود و باقی بماند، با رعایت چنین وحدتی آثار به هم آمیخته ای مانند «حماسی کمدی» و «تراژدی کمدی» از حوزه و حیطه آثار کلاسیک خارج می شود (وحدت های سه گانه، <http://iranpress.ir/>)

۹- نتیجه گیری

مکتب کلاسیسیسم در واقع و در حقیقت نوعی احیا و زنده سازی شیوه هنری یونان و روم به شمار میرود که هر چند در کشور ایتالیا متولد شد اما در کشور فرانسه رشد و نمو کرد و به ثمر نشست. واژه کلاسیک در معنای کلی، معمولاً به میراث بزرگ هنری و ادبی و آثار برجسته و شاخص هر دوره و عصر که سرمشق و الگو آن ملت است گفته می شود. در زیبایی شناسی عصر و دوره کلاسیسیسم (قرن هفدهم) تفسیر و تعبیر تازه ای از نظریه عینی زیبایی ارائه و عرضه گردید که با شرایط فرهنگی و اجتماعی آن دوران و زمانه سازگار بود. این تفسیر تحت تأثیر خردگرایی آن زمانه و دوران، بر این پایه استوار و برقرار گردید که عقل و زیبایی لازم و ملزوم یکدیگرند و زیبایی در پدیده و نمودهای عقلانی به ظهور میرسد. در کلاسیسیسم غالباً شخص هنرمند از قوانین، اصول و قواعد نظری تبعیت می کند و از این رو به نظر میرسد که این سبک هنری بیشتر به خرد و عقل متکی باشد، در دوره و عصر رنسانس نیز با اوج گیری خرد و عقل گرایی زمینه فکری این مکتب فراهم شد، از این رو گاه مکتب کلاسیسیسم را در مقابل مکتب رمانتیسیسم معنا میکنند، همچنین کلاسیک ها، با نگاه و دیدی وحدت گرا به دنبال سادگی و نظم هستند که در واقع و در حقیقت به اثر لیاقت هنری و یا ادبی میبخشد، همچنین روشنایی و گویایی آثار کلاسیک از ویژگی ها و خصوصیات مهم آن است، عقل و خرد، زیبایی، وحدت، گویایی و روشنایی در خلق و آفرینش آثار هنری در دوره کلاسیک در رشته های مختلف هنری اعم از معماری و موسیقی نیز تأثیرگذار بود. در پژوهش حاضر سعی بر این شد به بررسی درباب مکتب هنری و ادبی کلاسیسیسم و تأثیرات آن بر رشته و تخصص های هنری اعم از معماری و موسیقی بپردازد و در ادامه به طرح دو سؤال پرداختیم که تأثیر قواعد و اصول مکتب کلاسیسیسم در هنرهای معماری و موسیقی چگونه است؟ و تأثیر قانون سه وحدت در آثار خلق شده مکتب کلاسیسیسم چیست؟ و به این نتیجه رسیدیم که قواعد و اصولی که به طور کامل توضیح و شرح داده شد که اعم از ۱- نگاه به گذشته ۲- پیروی از عقل ۳- حقیقت ماندنی (حقیقت نمایی) ۴- تقلید و نمایش از طبیعت ۵- هارمونی یا برازندگی یا نزاکت ادبی است، تأثیر بنیادین و مهمی بر روی جنبه های مختلف خلق یک اثر هنری در تخصص هایی همچون معماری، موسیقی، ادبیات و... دارد، در چارچوب کلی نظام دانایی و خلق و آفرینش کلاسیک، قواعد و اصول حاکم بر آن، ارتباط نزدیکی با آفرینش یک اثر هنری دارد و تمام قواعد و اصولی که در مکتب کلاسیسیسم بیان شد می توان در آثار هنرمندان، نویسندگان و شاعران جست و برای هر کدام از آن ها مثالهای گوناگون یافت با این تفاوت که این موارد به شکل پراکنده در بین آثار مختلف و در دوره های متفاوت مشاهده می شود، به این ترتیب یکی از پرسش های تحقیق و پژوهش آشکار شد. اما به جهت پاسخگویی به سؤال دوم،

۱- پیر کورنی (به فرانسوی *Pierre Corneille*) تراژدی نویس فرانسوی بود، او بنیان گذار تراژدی فرانسوی نامیده شده است (ویکی پدیا، پیر کورنی، ۲۰۲۰)

۲- ژان شاپلن (به فرانسوی *Jean Chapelain*) شاعر و منتقد قرن شانزدهم میلادی اهل فرانسه بود (ویکی پدیا، ژان شاپلن، ۲۰۱۹).

ارسطو در «هنر شاعری» تأکید می‌کند که هر تراژدی باید از سه وحدت، موضوع و زمان و مکان برخوردار باشد، به عبارت دیگر باید دارای پی رنگ واحد و یکتایی باشد (وحدت موضوع)، داستان در یک شبانه روز اتفاق بیفتد (وحدت زمان) و در یک مکان انجام بگیرد (وحدت مکان)، وقتی موضوع داستانی در زمان واحد و یکتایی اتفاق بیفتد، حتماً باید مکان واحد نیز داشته باشد تا مؤثر واقع شود، البته از وحدت چهارم هم صحبت شده است، هوراس، شاعر رومی، از وحدت لحن صحبت کرده است، یعنی هر اثر هنری در هر رشته هنری اعم از موسیقی، معماری، تئاتر و... باید لحن خاص خود را داشته باشند و این لحن در سراسر اثر هم رعایت شود. پس می‌توان گفت کلاسیک و آثار خلق شده در آن گنجینه ای است که می‌توان تمام اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، ادبی و هنری را در آن مشاهده نمود.

منابع

۱. احمدی بیرجندی، احمد، سایت کتابخانه دیجیتال، تبیان، <https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/92883/25>
۲. اشرفی، نسیم، نقی زاده، محمد، (۱۳۹۴)، مقایسه تطبیقی فرایند شناخت و آفرینش - با تبیین جایگاه «حقیقت» و «پده» - در هنر و معماری غربی و اسلامی، فصلنامه هویت شهر، سال ۹، شماره ۲۳، صفحه ۴۶-۳۷.
۳. امینی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، تطبیق میانی کلاسیسیسم در فن شعر بوالو و ادبیات فارسی، ویژه نامه فرهنگستان (ادبیات تطبیقی)، شماره ۴، صفحه ۸۱-۵۶.
۴. بیوگرافی علی ترقی جاه، <http://arthibition.net/>
۵. پورجعفر، محمدرضا، اکبریان، رضا، انصاری، مجتبی، پورمند، حسن علی، (۱۳۸۶)، رویکرد اندیشه ای در تداوم معماری ایران، مجله صفا، شماره ۴۵، ۱۰۵-۹۰.
۶. تقوایی، ویدا، (۱۳۸۹)، از چیستی تا تعریف معماری، فصلنامه هویت شهر، دوره ۴، شماره ۷.
۷. ثروت، منصور، (۱۳۸۱)، مکتب کلاسیسم و نئوکلاسیسم، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۳، صفحه ۲۲-۱.
۸. جنبش های ادبی (فرانسوی)، <https://www.site-magister.com/classicis.htm#axzz6OH1wv5XW>
۹. حمید زاده، سیدحمید، (۱۳۸۸)، کلاسیسیسم، <http://g-pooya.blogfa.com/post/219>
۱۰. رضایی جمکرانی، احمد، فرقانی دهنوی، سید حمید، (۱۳۹۷)، مقایسه نظریه انواع ادبی در مکتب کلاسیسم و رمانتیسم، فصلنامه پژوهشهای ادبی، سال ۱۵، شماره ۶۲، صفحه ۱۲۴-۱۲۳.
۱۱. رضی زاده، اکبر، (۱۳۹۲)، حقیقت ماندنی (واقع نمایی)، <https://rasekhoon.net/>
۱۲. رمضانی، جاوید، (۱۳۹۷)، ترسیم جهان خیالی در پی کشف حقیقت، <http://www.ghanoondaily.ir/>
۱۳. سایت چهارسوی معماری، معماری خردگرا چیست؟، <http://4sooarc.com/>
۱۴. سایت گالری لیلیت، سبک نقاشی کلاسیسیسم، <https://lilit.ir/2980/>
۱۵. سایت گروه معماری آرل، (۱۳۹۴)، معماری کلاسیک و انواع سبک‌های ایجاد شده، <https://www.arel.ir/>
۱۶. سکران، دمینیگ، (۱۳۸۰)، کلاسیسیسم، ترجمه حسن افشار، چاپ دوم، تهران: نشر مرکزی، صفحه ۱۱۲-۱۰۱.
۱۷. سیدحسینی، رضا، (۱۳۵۸)، مکتب های ادبی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات زمان، جلد ۱.
۱۸. ----- (۱۳۸۴)، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات نگاه، جلد ۱.
۱۹. شعبانی، بابک، (۲۰۱۸)، سبک‌های هنری: کلاسیسیسم، <https://www.tabrizart.com/>
۲۰. شفیع زاده، سارا، (۱۳۹۴)، قانون سه وحدت در مکتب کلاسیسیسم، <http://vaaj.rozblog.com/>
۲۱. شمیس، سیروس، (۱۳۹۴)، مکتب های ادبی، تهران: انتشارات قطره، صفحه ۵۶-۴۳.
۲۲. صفی زاده، علی، (۱۳۹۷)، سلطه ی مکتب کلاسیسم بر ادبیات ایران، <http://www.isna.ir/news/97091406859>
۲۳. علیزاده، فرحناز، (۱۳۹۴)، کلاسیسیسم، آغاز ادبیات، <http://nasour.net/1394.06.08/808.html>
۲۴. «فورم» های موسیقی، کلاسیسیسم، (۱۳۳۷)، شماره ۲۵، صفحه ۴۵-۴۱.
۲۵. مجله خبری ایران آنتیک، کلاسیسیسم، <https://iranantiq.com/terminology/art-trends/classicism>
۲۶. محمدیان، مینو، (۱۳۹۱)، سبک کلاسیسیسم، <http://forsatezendegi.blogfa.com/post/5>
۲۷. معین، محمد، (۱۳۷۸)، «اعلام - ک»، فرهنگ معین، تهران: امیر کبیر، صفحه ۱۵۸۶.
۲۸. منصور، ثروت، (۱۳۸۵)، آشنایی با مکتب های ادبی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن، صفحه ۳۷۰-۱.
۲۹. میرصادقی، میمنت، (۱۳۶۸)، شناخت مکتبهای ادبی (۲): کلاسیسیسم، نشریه چیستا، شماره ۶۱، صفحه ۱۲۶-۱۲۱.
۳۰. نادری، نگار، (۱۳۹۰)، مکتب کلاسیسیسم، <http://negarnaderi.blogfa.com/post/10>

۳۱. نوشته شده توسط Ar Man، سایت فیسبوک، (۲۰۱۴)، نگاهی اجمالی به مکتب‌ها و ایسم‌های ادبی (کلاسیسیسم).
۳۲. نوشته شده توسط مجله ویستا، منبع روزنامه خراسان، (۱۳۹۹)، کلاسیسیسم، <https://vista.ir/m/a/r3qif>
۳۳. -----، منبع سایت دوستان، (۱۳۹۹)، مکتب کلاسیسیسم، <https://vista.ir/m/a/dl0jh/>
۳۴. واحدی، آرمان، (۱۳۹۹)، تفحصی پیرامون هنر اجتماعی و تأثیرات آن و بررسی عناصر مشترک در خلق اثر هنری (معماری و موسیقی)، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و مهندسی دانشگاه بانکوک تایلند، صفحه ۱۷-۱.
۳۵. وحدت‌های سه‌گانه، <http://iranpress.ir/dokhtaran/Dokhtaran/News.aspx?NID=1193>
۳۶. ویتوریو، مانیگولا لامپونینی، (۱۳۸۱)، معماری و شهرسازی در قرن بیستم، ترجمه لادن اعتضادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۷. ویکی‌پدیا، (۲۰۱۹)، پادشاهی مطلقه.
۳۸. -----، ژان شاپلن.
۳۹. -----، وحدت‌های سه‌گانه.
۴۰. ویکی‌پدیا، (۲۰۲۰)، پیر کورنی.
۴۱. -----، خردگرایی.
۴۲. -----، رنسانس.
۴۳. -----، فن شعر (ارسطو).
۴۴. -----، قرون وسطی.
۴۵. -----، کلاسیسیسم.
۴۶. -----، کوبیسم.
۴۷. -----، محاکات.
۴۸. ویکی‌فقه، مکتب کلاسیسیسم، <http://wikifqh.ir/>
۴۹. یونسی، حمیدرضا، (۱۳۹۸)، مکتب چیست و ژورنالیسم مکتبی کیست؟ <http://farhikhtegandaily.com/news/34191/>
50. Bramante, et.al., Saint Peter's Basilica, <http://arthropology.com/>
51. Classicism, (2020), <https://www.encyclopedia.com/>.
52. Classicism, <http://www.artmovements.co.uk/classicism>
53. 21 Famous Buildings and Monuments Influenced by Roman Architecture, <https://interestingengineering.com/>
54. Fiederer, Luke, (2020), AD Classics: Gallarate Quarter / Aldo Rossi & Carlo Aymonino, <https://www.archdaily.com/867165/ad-classics-gallaratese-quarter-milan-aldo-rossi-carlo-aymonino>.
55. Horace's Satires and Epistles, <https://www.amazon.com/>
56. Manuscrit des oeuvres d'Horace, <https://commons.wikimedia.org/>
57. Natural History Museum Site, <https://www.nhm.ac.uk/business-services/filming/exterior.html>
58. Rey, Alain, (2019), Dictionnaire historique de la langue française
59. Rafferty, Jean, (2014), French Historical Gem Restored to Its Simple Glory, <https://www.nytimes.com/2014/03/07/greathomesanddestinations/french-historical-gem-restored-to-its-simple-glory.html>.
60. The Vatican and St. Peter's Basilica: divine beauty, <https://www.airfrance.ie/>
61. Wikipedia, (2019), Nicolas Rapin.